مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال اول شماره چهاردهم یکشنبه ۲۰ دلو ۱۳۸۱ - ۸ ذوالحجه الحرام ۱۴۲۴ - 9 February 2003

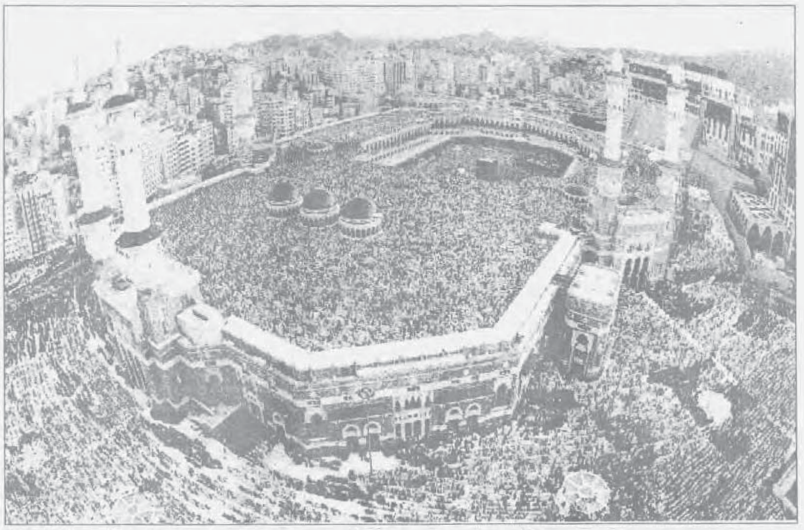
سرمقاله
حج مظهر توحید خدای ونماد یک رنگی و برابری انسان
ص۲

نگرش ما ودعوت ما
ص۲

فلسفه واحکام قربانی
ص۳

لبیک اللهم لبیک

امسال بیشتر از دومیلیون مسلمان مراسم حج،یکی از ارکان مهم اسلام را انجام خواهند داد که بیشتر از بیست و شش هزار آنان را حاجیان افغانستان تشکیل می دهند. ص۷





جبل الرحمة درعرفات

به بهانه بیست وسومین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران

واقف حکیمی

انقلاب بازگشت به خویشتن



امام خمینی

در ۲۳ سال پیش در بیست دوم دلو/بهمن سال ۱۳۵۷ جهان شاهد یکی از بزرگترین حادثه های قرن بیستم بود.

انقلاب اسلامی ایران بی تردید حادثه یی بزرگ بود که بسیاری از موازین و باورها را در عرصه های گونه گون دگرگون ساخت. ص۶

به مناسبت سالروز خروج ارتش سرخ از افغانستان

در سر آغاز پایان جنگ سرد

ص۲





پیام جمعیت اسلامی افغانستان
به مناسبت فرا رسیدن عید سعید اضحی

بسم الله الرحمن الرحیم

هم میهنان گرامی ، ملت متدین افغانستان

جمعیت حلول عید سعید اضحی را به فرد فرد شما ملت ستمدیده و مردم زجر دیده مبارکباد می گوید

عید سعید اضحی که جلوه گاه روح وحدت و همبستگی و عروج به اوجنای شهر انسان کامل و نماد آزادی انسان از زنجیره گیرودارهای زندگی و متعلقات آن است، عیدی است که به پیروی از سنت سنیه نیای بزرگ مسلمانان، ابوالانبیا حضرت ابراهیم خلیل الله (ع)، مظاهری فرمانبری از دساتیر آفریدگار در آن تمثیل می شود و مسلمانان با ذبح گوسفندان در گوشه گوشه، جهان و پوشیدن یک گونه لباس و زمزمه یک شعار در میدان عرفات، بر همه امتیازات رنگ، نژاد و... چلیپا می کشیدند و فرمانبری از آفریدگار شان را به نمایش می گذارند.

امت اسلامی و رهروان راه ابراهیم توحید شعار که در این روزها به پیشواز حلول این خجسته روزهای میمون، آمادگی می گیرند، بایسته آن است که با آگاهی از رمز و راز نهفته در آموزه های این عید بزرگ،کردار گفتار ورفتار خود را عیار نمایند تا به هدف واقعی و حکمت حقیقی آن نایل گردندودر روشنایی این آموزه قرآنی "لن ینال الله لحومها ولا دماؤها ولکن نیاله التقوی منکم" حج-۲۲

"هرگز نه گوشت ها و نه خون های قربانیها به خدا نمی رسد، آنچه به خداوند می رسد همانا تقوی و پرهیزگاری شما است"، نایل گردند.

یقیناً درد بزرگ جانکاهی که امروز پیکر امت اسلامی را آزار می دهد، همانا درد اختلاف و تفرقه در جوامع اسلامی است که نه تنها جان وتن او را نا توان کرده و او را از رسیدن به قله های عزت و سربلندی باز داشته است بلکه زمینه ساز آن ص۶

عید فرا می رسد...

گزارشگر:
عزیز فیصل



عید آمد وعید آمد وان بخت سعیدآمد

برگیرو دهل می زن کان ماه پدید آمد

عید فرا می رسد، روزهای خوشی وشادمانی مسلمانان، روزهایی که پایان کدورت وآغازی برای دوستی و محبت است.

وعید قربان ایامی است که مسلمانان جهان به سوی کعبه می روند تا یکی ازارکان اسلام رابه جا آورند. مسلمانان جهان که دراین جایگاه برین ومقدس جمع می شوندیک باردیگرپیمان دوستی وبرادری رامحکم می بندند.

وقتی مسلمانان عزم رفتن به این جایگاه منزه و برین می بندند دل از سودای دنیا بر می کنند ص ۷

"مجاهد" حلول عیدسعید اضحی را به تمام هموطنان عزیز تبریک وتهنیت عرض می دارد

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹

سرمقاله

حج مظهر توحید خدای ونماد یک رنگی وبرابری انسان

ما اکنون در دوازه برگزاری یکی از مهمترین شعایر دین، حج قرار گرفته ایم.

اسلام دین توحید خدای در اعتقاد و پرستش ومظهر یک رنگی وبرابری همهٔ افراد خانواده است و همهء تعالیم و آموزه های آن برمحور همین اصل بنیادین دور می زند. حج که جشنواره یی بزرگ از یاد وکارنامه های توحیدی ابراهیم علیه السلام پدر مسلمانان است با جلوه ها و مظاهر گونه گونش مانند ایستادن بر دشت عرفات و ماندن در مزدلفه و سنگ زدن به شیاطین و طواف در پیرامون کعبه و دویدن در میان صفا و مروه، در نماد عینی و تجربی این اصل را به نمایش می گذارد.

اسلام هیچ گونه تمایز و برتری را در میان جامعهء انسانی به رسمیت نمی شناسد و هیچ کسی را به هیچ لحاظی بر دیگری جز تقوی و طهارت-که آن هم امری است باطنی و قلبی-برنمی کشد و پیوسته باتعالیم و دساتیرش سعی می ورزد که انسان را متوجه این ارزش بزرگ سازد.

اما غالباً تعلقات زندگی دنیا یی وناگزیری های آن مانعی در راه تبلور وحضور عینی این خواست می گردد ولی حج با همه جلوه ها و صحنه هایش زمینهء بسیار بلند ترجمه وتجسم آن است.

جماعت گسترده یی از خانوادهء بشری، از نژادها وجای ها وگروه ها ورنگ ها ولایه های گونه گون بالباس های سپید ویک سان در پیرامون هم جمع می شوند وبا سردادن شعارها و دعاها وکارهای یک رنگ خدای یگانه خویشتن را به پرستش می گیرند.

به یقین هیچ دینی و هیچ مکتبی نتوانسته است در یک چنین همایشی بزرگ به گونهء واقعی همه انسان ها را یک سان وبرابر نمایش دهد. بناءً حج با آن که یکی از مهمترین ارکان اسلام به شمار می آید، یکی از انسانی ترین مظاهر آن نیز تلقی می گردد. انسانیت خسته از جفاهای چند رنگی وتفوق طلبی وبهره کشی جز در سایهء این دین راستین و انسانی آرامش نخواهد یافت. تمدن امروزین با به دست دادن پیشرفته ترین ابزارهای زندگی مرفه راهی به سوی زدودن رنج ها و دردمندی های انسان از تفرقه و تبعیض وبرتری جویی نبرده است.

برمسلمانان لازم است با بهره وری از حال وهوای حج بریک رنگی ویک دلی خویش تأکید ورزند ودرپیرامون مسائل خود به بحث بنشینند و برای بحران ها و نابسامانی های جامعهء خویش راه های حل دلسوزانه و برادرانه بروز بدهند.بی تردید یکی از فلسفه های بسیار ارزشمند حج همین امر است که مسلمانان لااقل سال یک بار در یک کنفرانس بزرگ جهانی پیرامون هم جمع شوند و مسائل واندیشه های خود و جامعهء انسانی را درپهلوهای گونه گون فرهنگی وعلمی واقتصادی واجتماعی مورد مطالعه وارزیابی قرار دهند. این که قران کریم در یکی از ایاتش در بیان حکمت های حج در یافتن منافع مسلمانان را از آنها می خواند (لیشهدوا منافع لهم) روی به همین مقصد دارد.

پیوسته به گذشته

نگرش ما ودعوت ما

نگرش دینی ما دعوت از جریان های منحله ای را که هنوز هم از گذشت روزگار درسی درخور فرانگرفته و دست اندرکار احیای مجدد گردونه فرو پاشیده فکری سیاسی خود هستند، بخش جداناپذیر از تکالیف و واجبات دینی ما می گرداند ما از این عناصر نیز دعوت می کنیم که به رشد انسانی خویش باز آیند، و راه نجات خویش را در همان اندیشه و راه و رسمی جستجو نکنند که قبل از همه خود آنان را رهسپار قتلگاه شخصیت و هویت انسانی شان گردانید.

همین طور نگرش دینی ما احیای کلیشه های سابق حکومتی در کشور را که نظام حاکمیت را به شیوه شاهی مطلقه و حکومت موروثی خاندانی می طلبد نمی پذیرد، و آن را راه نجات جامعه اسلامی از چنگال مصائب و آفات آن نمی شناسد، بلکه آن را حرکتی به قهقرا و مصیبی بزرگ برای جامعه اسلامی تلقی می کند. باور ما این است که دگرگونی ساختاری پدید آمده در جامعه ما بازگشت چنین نظام ها را به مسند رهبری این جامعه دیگر نمی پذیرد، و اگر هم فشارها و سازش ها و سناریوها به این مقوله میدان دهد، این امر قطعاً جریانی بی ریشه و عارضی خواهد بود و اهرمها و عناصر لازم برای ماندگار بودن را "در حوزه تمدنی" دارا نیست.

در حوزه سیاسی، شعار ما در مستوای امت، حرکت در راستای "وحدت امت" و در سطح ملی حرکت در راستای "وحدت ملی" و "منافع ملی" است... در باره "وحدت ملی" تعاریفی گونه گون ارائه شده است، و هر تعریفی هم نمایه ای از اندیشه صاحبان خود است... از نظر ما رسیدن به وحدت عملی در راستای "وحدت ملی" جامع و مانع، با فرو رفتن در لاک تعبد قوم و قبیله و زبان و منطقه و دیگر مقولات دوگانگی ساز امکان پذیر نیست، و شاخص ساختن این مفاهیم نه فقط زمینه ساز وحدت نیست، بلکه بسترساز تفرقه ها و تجزیه ها و انقطاب های بیشتر است، چنان که یک دهه گذشته از تاریخ پر افتراق کشور ما که رهروان سُبُل بیشتر در خم و پیچ این کوره راه ها مبتدع صراط های غیر مستقیم به مقصد نهایی تباهی کشور بوده اند و تا حدود زیادی هم خواسته یا نخواسته به این مقصد رسیده اند، خود گواه روشن این مدعا است، وحدت ملی در کشور ما زمانی قابل تحقق است که ما اسلام را به حیث قاسم مشترک همه قومیت های این سرزمین بپذیریم ووطنی به نام افغانستان را خانه مشترک همه ابنای این مرز و بوم بشناسیم، و در خیال این نباشیم تا با رسمیت دادن به دیگر تعرفه های تجزیه بار، در جهت معکوس حقیقتی بنام "وحدت ملی" حرکت کنیم که تصور می کنیم یا دوست داریم که تصور کنند، از معتقدان به آن می باشیم.

تعریف ما از "منافع ملی" نیز تعریفی معطوف به چرخش در مدار خود نیست، منافع ملی ما در محدوده تمام مردم و تمام این کشور قابل ترسیم است، و منحنی های دیگر، اعم از منافع من، منافع قوم و قبیله و حزب و گروه و صنف من، در تضاد با این معنی است، ما نه خود را حق و ذی حق مطلق در صحنه کشور می دانیم، نه برای خود جایگاهی ویژه و انحصاری قایل هستیم، نه خود را برتر از نقد و نصیحت دیگران می پنداریم، و نه هم بینش انحصار گرایانه را از هیچ طیف و گروه دیگری می پذیریم.

در حوزه اجتماعی، باور داریم به اینکه جامعه ما از بیماری ها و آفت های بسیاری رنج می برد، ریشه اصلی این بیماری ها فقر فرهنگی، عدم توسعه یافتگی انسانی و در نهایت خود کامگی، قبیله محوری، قوم و زبان باوری سیاستمدارانی است که بهبود و شگوفایی جامعه را با شعله ور ساختن روح امتیاز جوئیهای قومی، زبانی و منطقه ای، قربانی بقا و استمرار حکمروائی خویش کرده اند. جامعه ما پس از دوران جهاد که حرکتی در راستای تثبیت هویت در برابر یک تهاجم خارجی بود، اکنون پس از مقوله "پیروزی" بر اثر گسست های عمیقی که در ساختار اجتماعی آن پدید آمده است، و به جهت از دست دادن بسیاری از اهرمهای حیات اجتماعی و مدنی خود، دچار بحران هویت عمیقی است، چالش های موجود با یک بازگشت وسیع به اصالت های فطری و با یک تجدید بنایی کلی در نظامنامه فکری روشنفکران و نخبه گان و رهبران حوزه های اندیشه و سیاست این جامعه قابل رفع و درمان است... طبیعی است که بیان و شناخت دردها و آسیب شناسی اصولی آفات اجتماعی مقدمه علاج و درمان آن ها خواهد بود، بر این اساس است که مقوله نقد اجتماعی را راهگشای این طریق می دانیم، اگر این نقد از اهرم تا قاعده جامعه را در برگیرد، و نقدی موضوعی علمی، واقع بینانه و عاری از هرگونه پیشداوری و محاکمه غایبانه باشد، و همراه با آن طرح های همه جانبه برای درمان این بیماری ها ارائه گردد، مسلماً ما را به این هدف رهنمون خواهد شد، باور ما این است که بیان آفات اجتماعی با دیدی موضوعی و تحلیل منصفانه علل و عوامل آن ها به ما امکان می دهد تا از دیوار سوءظن، اتهام، محاکمه، غیب گویی و پندارگرائی با شهامتی که در خور یک انسان واقع بین است فراز آییم، و به علل و ریشه دردها برسیم، نه اینکه معلول ها را در نشانگاه اتهام قرار داده وبا نثار کردن دشنام و اتهام بر این و آن و انفجار دادن بغض و کین خویش علیه خود یا علیه دشمن های فرضی ای که بیشتر ساخته پندارهای ذهنی ما است از میدان پیروز بیرون آییم. فراموش نکنیم که تحولات بنیادین اجتماعی ریشه در دل قرون دارند، و علل و عوامل آنها را نیز باید در همین ژرفا جستجو کرد. این به هیچ وجه به معنی توجیه و تبرئه جنایت پیشه گان نیست، در نظام عدل الهی هرکس در گرو اعمال خویش و پاسخگوی آن است، و قضاوت عام اجتماعی مؤمنان نیز هرگز خطا نمی کند، اما اگر ریشه های جنایت را نشناسیم، و فرهنگی را که جنایت پرور است مورد هجوم قرار ندهیم، و عوامل جوهری و ذاتی آن را که همانا آفات و بیماری های اجتماعی اند بر نیندازیم، هرگونه راهبرد دیگر در این راستا حرکت میکانیکی محض خواهد بود. و از آنجایی که عوامل دینامیکی با این حرکت میکانیکی مخدوش نمی شوند، اگر یک جریان آلوده بر اثر فشارهای میکانیکی براُفتد، باز جریانی آلوده تر از آن — هرچند با چهرهٔ مآبانه و ظاهرالصلاح- به روی صحنه خواهد آمد.

ادامه دارد

به مناسبت سالروز خروج ارتش سرخ از افغانستان

در سر آغاز پایان جنگ سرد

به قلم محمد اسحق فائز

۲۶ دلو سال ۱۳۶۸ هجری شمسی روز بزرگی برای مردم افغانستان و روز دردناک و عبرت آمیزی برای دولت شوروی وقت بود. در این روز زمامداران شوروی وقت برگشت کلیه سربازان وافسران باقی مانده خود را از افغانستان شاهد بودن. واقعاً در آن روز آخرین نظامی شوروی با عبور از "پل دوستی!!" نگاهی به عقب افگند، گویا احساس می کرد که با عبور از پل دوستی شکوه وعظمت شوروی را نیز عقب می گذارد، و از آن روز دوران اضمحلال بزرگترین امپراتوری نظامی وقدرت استعماری دنیا آغاز می یابد. آنچه را که روزگار درازی زمامداران و دولتمردان کشور های بزرگ دنیا حتی در خواب نیز نمی دیدند. هیچ انسانی در ماورای افغانستان تصور نمی کرد روزی ملتی پا برهنه با دستهای خالی موفق می شود بزرگترین اردوی تا دندان مجهز روزگار را با سرافگندگی از سرزمین خود بیرون می کند.

افغانستان در ۶ جدی ۱۳۵۸ از زمین و آسمان توسط ارتش سرخ در حمایت از رژیم کمونیستی و مزدور خلق وپرچم مورد تجاوز قرار گرفت و در کمتر از دو هفته تمامی ولایات افغانستان توسط سربازان قوای سرخ اشغال شد ولی همزمان با آغاز تجاوز شوروی به افغانستان، قیام های مردمی دربسیاری از ولایت های افغانستان بر ضد اشغالگران آغاز وصفحات خونین تاریخ معاصر افغانستان نیز با آن ورق خورد.

"اتحاد شوروی بزرگ" به زعم رهبران شان وسران حزب دموکراتیک خلق افغانستان، آرزوی اشغال افغانستان را نداشت بلکه در راستای کمک به مردم افغانستان وحمایت از حزب دموکراتیک خلق افغانستان که جامعه افغانی را به سوی اعصار سوسیالیزم رهبری میکرد به افغانستان آمده بودند.

اتحاد شوروی [illegible] می کرد که افغانستان با گامهای متین واستوار در تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق به سوی جامعه فاقد استثمار به پیش می رود و در این راستا همه دولتهای جهان در جوار مردم وخلق زحمت کش افغانستان قرار خواهد داشت.

کمونست ها با شعار (دودی، کالی، کور) برای مردم افغانستان تجربه ناکامی از تطبیق فرامین هشت گانه "شورای انقلابی" را در افغانستان آغاز کردند که به زعم خودشان تطبیق موفقانه آن می توانست افغانستان را از چنگال فیودالزم و ارتجاع و امپریالزم بدر آورده و آن را در صف کشور های پیشرفته و مرفه سوسیالیستی

ص ۷

فلسفه واحکام قربانی

محمد احسان نکته دان

قربانی یکی از شعایر دینی است که پیامبر (ص) آن را انجام داده و امت خود را نیز به آن توصیه نموده است، و این امری است به تأسی از پیروی جدش ابراهیم علیه السلام، در زمینه قربانی پیامبر گرامی مان چنین فرموده اند: هیچ عملی در روز عید قربان پسندیده تر به نزد پروردگار از ریختن خون نیست. به تحقیق که قربانی در روز قیامت با شاخ های خود و موی های خود و سم های خود می آید ویقیناً که خون قربانی قبل از این که به زمین بریزد مورد قبول خداوند قرار می گیرد.

وهمچنین فرموده است کسی که فراخ دست است وتوانایی قربانی را دارد وقربانی نمی کند به نمازگاه ما نزدیک نشود. از روایات فوق معلوم می شود که قربانی بر هر مسلمان آزاد ومقیم و توانگر واجب است.

فلسفهء قربانی:

قربانی دارای فلسفه تاریخی ومعنوی است

روز نحر ویا روز قربانی مصادف با آن روزی است که انسان را بریاد آن ابتلاء وآزمایش بزرگی می اندازد که خداوند بندهء برگزیده اش ابراهیم (ع) را به آن می آزماید. قرآن خود این صحنه را به شکل شگفتی بیان داشته است.

فشردهء داستان ابتلای ابراهیم توسط پروردگارش این است. هنگامی که ابراهیم بعد از ادای رسالتش در بابل از آنجا هجرت کرد نخستین آرزویش این بود که خداوند فرزند صالحی به او عطا فرماید، زیرا تا آن روز صاحب فرزندی نشده بود.

سر انجام فرزند موعود ابراهیم طبق بشارت الهی متولد شد و بر قلب پدر نور افگند. دوران طفولیت را پشت سرگذاشت و به سن نوجوانی رسید، ولی در این هنگام پدرش خواب عجیب وشگفت انگیزی می بیند که مظهر آغاز یک آزمایش بزرگ دیگر در مورد این پیامبر بزرگ است. در خواب می بیند که از سوی خداوند به او دستور داده شد تا فرزند یگانه اش اسماعیل را با دست خود قربانی کند و سر ببرد. ابراهیم وحشت زده از خواب بیدار شد، می دانست که خواب پیامبران وحی است و واقعیت دارد. اما با این حال دو شب دیگر همان خواب تکرار شد که تاکید بر لزوم این امر داشت. لذا برای او کم ترین شکی باقی نماند که این فرمان قطعی خداست ولی قبل از این که این فرمان را به جای آورد با خود اندیشید که باید فرزند را آماده این کار کند وقضیه را با او درمیان گذارد. پس به سوی او روی کرده گفت: فرزندم! من در خواب دیدم که باید ترا ذبح کنم، بنگر نظر تو چیست؟ فرزندش که از سلاله همان پدر ایثار گر ومؤمن به لقای پروردگارش بود و درس قربانی واستقامت در مقابل آزمایش را از او فرا گرفته بود، با پیشانی کشاده وصدر باز از این فرمان الهی استقبال کرد وبا صراحت وقاطعیت گفت: پدر! هردستوری که به تو داده شده است اجرا کن به خواست خداوند مرا از صابران خواهی یافت.

در این آوان چه گذشت قرآن صراحت نکرده است، ولی فرزند فداکار برای این که پدرش را در اجرای این مأموریت یاری کند و هم از رنج و اندوه مادر بکاهد هنگامی که او را به قربان گاه آورد به پدرش گفت: پدرم ریسمان را محکم ببند. تا هنگام اجرای فرمان الهی دست وپا نزنم، می ترسم از پاداشم کاسته شود، پدر جان کارد را تیز کن وبا سرعت بر گلویم بگذران تا تحملش بر من آسان تر شود. پدرم قبلاً پیراهنم را از تن بیرون کن که به خون آلوده نه شود؛ چرا که بیم دارم چون مادرم آن را ببیند عنان صبر از کفش بیرون رود. آن گاه افزود سرم را به مادرم برسان و اگر مانعی ندیدی پیراهنم را برایش ببر که باعث تسلی خاطر اوست.

لحظه های حساسی فرا رسید، فرمان الهی باید اجرا می شد. هنگامی که هردو تسلیم و آماده شدند و ابراهیم جبین فرزندش را به خاک نهاد کارد را به حرکت در آورد، اما کارد برنده در گلوی لطیف فرزند کم ترین اثری نگذارد. ابراهیم در حیرت فرو رفت، باردیگر کارد را به حرکت در آورد ولی باز کارگر نیفتاد. ابراهیم می گوید ببر! اما خداوند فرمان می دهد نبر!

این جاست که خداوند به همه انتظار ها پایان داده می گوید: "در این هنگام او را ندا دادیم که ای ابراهیم آنچه را در خواب ماموریت یافتی انجام دادی ما این گونه نیکو کاران را پاداش می دهیم" همین بود که خداوند جهت تصدیق رؤیای ابراهیم و برآورده شدن آرمان وی قچی بزرگی را از جنت فرستاد تا به جای فرزندش قربانی کند و سنتی برای آیندگان از خود به جا گذارد.

قربانی افزون بر این نمادتاریخی و یادوارهء فداکاری پدر وفرزند ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام جنبه های معنوی وروحانی ووسیلهٔ تقرب به درگاه الهی نیز دارد که از آن جمله می توان به موارد زیر اشارت کرد:

- قربانی کردن رمز گذشت از همه چیز های مادی در راه پروردگار است.
- قربانی کردن مظهری است برای تهی نمودن قلب از غیر یاد خدا و هنگامی می توان از این مناسک بهرهء تربیتی گرفت که تمام صحنهء ذبح اسماعیل و روحیات پدر و پسر به هنگام قربانی در نظر مجسم شود و آن روحیات در وجود انسان پرتو افگن گردد.
- یاد قربانی ابراهیم انسان را در برابر وسوسه های شیطانی قوی تر و مصمم تر می سازد، زیرا شیطان هنگام قربانی فرزندش کوشش به خرچ داد تا او را از کارش باز دارد ویا حداقل متردد سازد ولی ابراهیم قهرمان او را باسنگ از خود دور ساخت.
- از قربانی ابراهیم می توان دریافت که انسان تا زمانی که شیطان را از خود دور نسازد روی پیروزی و سعادت را نخواهد دید.
- تا زمانی که انسان در مقابل آزمایش و ابتلای پروردگارش صبر و استقامت به خرچ ندهد ثمرهء نیکویی نخواهد دید، زیرا این همان صبر اسماعیل بود که خداوند به جایش گوسفندی را اهدا نمود و او را کامیاب از صحنهء آزمایش بیرون آورد.
- انسان باید به ندای پروردگارش همان طوری که أب الانبیاء ابراهیم (ع) لبیک گفت لبیک گوید، بدون این که کوچک ترین تشویشی به دل راه دهد همه اوامر او را پذیرا شود.
- انسان در مقابل تقدیرهای الهی و انجام حکمش هیچ نوع ناخرسندی از خود نشان ندهد، بلکه به رضای او خوشنود باشد.
- انسان باید بداند که خداوند بندگان خود را نمی خواهد که به ابتلا و آزمایش تعذیب کند، زیرا وقتی که ابراهیم از امتحان کامیاب بر آمد دیگر مجالی باقی نبود که خداوند او را به ذبح فرزندش بیازارد، فرزندی که سال ها تمنای وجود و حضور او را داشت و او نیز در سن رشد رسیده بود و در کارها یاری اش می کرد.

خداوند پاداش هیچ کسی را ضایع نمی سازد، زیرا هنگامی که ابراهیم روحاً و ص۵

تصدی مطبعه آریانا چگونه قرار داد گردید؟

نوشته: مصطفی

بعد از فروپاشی نظام تروریستی طالبان وبه میان آمدن ادارهء موقت وسپس دولت انتقالی اسلامی افغانستان به رهبری آقای کرزی تغییر سیستم اقتصادی وشگوفایی آن در کشور برسرزبانها افتاد. وعده های بزرگ کمک در توکیو وبعداً در کشورهای دیگری هم آواز با پیشرفت به سوی بازار آزاد واقتصاد آزاد تقریباً نقل محفل روشنفکران و اقتصاد دانان وحتی کافهء مردم بود. دوستانی که از اینجا و آنجای دنیا هم تشریف فرما شده اند وتعدادی بر کرسی های پولی ومالی کشور تکیه زده اند از تقویه سکتورخصوصی و آزاد سازی اقتصاد دولتی مخصوصاً تصدی ها صحبت می نمایند که در این اواخر در این راستا قسماً کارهایی نیز صورت گرفته است.

گرچه من اقتصاد دان نیستم ولی همین قدر می دانم که گذار از یک مرحله به مرحله یی دیگر ایجاب تعمق و دقت و در عین حال مطالعهء دقیق حالات واوضاع را می نماید، البته در پهلوی آن تربیهء کادر های فنی وتخصصی از ضروریات اجتناب ناپذیر خواسته های جدید است.

اکنون که ما می خواهیم به سوی اقتصاد آزاد گام برداریم باید منافع ملی خود را بالا تر از هر چیز دیگری در نظر داشته باشیم تا نشود به جای بیش از سود زیان کنیم. یکی از عملکردهای قوی ومثبت ونیکویی که در این اواخر صورت گرفت رایج ساختن پول واحد در کشور است که هر چقدر در مورد آن نوشته شود، کمتر است. زیرا از ارزش و اهمیت واعتبار بهره مند بوده و مشکلاتی را که اسکناس های قبلی به میان آورده بود ازبین برده است.

اما برخی ازکارهای اقتصادی صورت پذیرفته است که ما آنها را در راستای منافع ملی واقتصاد کشور سودمند نمی بینیم مانند اجاره دادن هتل های کابل و انترکانتی نینتال به قیمت ارزان برای خارجی ها به مدت زمان درازی در سالی جاری واگر حرفی در میان نمی بود ومجلس داو طلبی و مزایده آزاد برگزار گذاشته می شد شکی نیست که تجار داخلی ما این هتل ها را یا اجاره وکرایهء بالاتر از چه با این خارجی ها عقد قرار داد شده است به دست می آوردند که متاسفانه منافع شخصی جلو منافع ملی را در این معاملات گرفته است.

در راستای همین آزاد سازی های اقتصادی وزارت اطلاعات وفرهنگ نیز به اقدام تازه یی دست یازیده است و

قرار داد تصدی مطبعه آریانا بالاتر از صلاحیت معین نشراتی وزارت اطلاعات وفرهنگ می باشد، این قرار داد به منافع ملی صدمه زده است.

انتظار آن می رود که این دوستان قدم های بعدی را بردارند.

مقامات وزارت اطلاعات وفرهنگ زمانی که از این ابتکار مدبرانهء شان (!) صحبت به عمل می آورند افتخار می کنند که آنها توانسته اند یک بار را از شانهٔ دولت پایین و هفتاد نفر را شامل معاش دلاری کنند.

ساحهء مورد نظر ما در این مقال تصدی مطبعه آریاناست که طی قرار دادی برای مدت بیست سال به کرایه، ماهوار مبلغ ۳۵۰ دلار امریکایی به موسسه تعلیمی دانشگاه نبراسکا داده شده است.

تصدی مطبعه آریانا که در منطقه پلچرخی موقعیت دارد در اثر جنگهای داخلی قسماً متضرر و بعضی پرزه های ماشین آلات آن به تاراج رفته است. هنگرهای آن اکثر سالم است و اطاقهای آن به ترمیم اندک ضرورت دارند. در سالی که گذشت این مطبعه هیچ فعالیتی نداشت و بر علاوه از د افغانستان بانک (بانك مرکزی افغانستان) نیز مقروض است. کمیسیون رزیابی تصدیها شاید این تصدی را لغو ویا با مطبعه دولتی (آزادی) ادغام می نمود ویا شاید هم نظر می داد تا ابزار های یدکي مورد نیاز ماشین آلات این مطبعه راکه ساخت کشورهای روسیه وآلمان شرق می باشد از آن کشور ها وارد و تصدی فعال سازد.

به هر حال دست قضا به این بررسی ها مهلت نداد وساختمان این تصدی با یک قرار داد مضحک شش ماده یی بدون مزایده و داوطلبی وبدون در نظر داشتن منافع ملی در اختیار دانشگاه نبراسکا گذاشته شد.

نمایندهء با صلاحیت وزارت اطلاعات وفرهنگ که پای این قرار داد امضاء نموده است، آقاي عبدالحمید مبارز معین نشراتی این وزارت است و به نسبت محافظه کاری یي که در امور اجرایی وزارت اطلاعات وفرهنگ دارد من نمی توانم نظر به سابقه وکار وی ، او را متهم به فساد مالی نمایم ولی می شود گفت این قرار داد وی با یک موسسه خارجی بالاتر از حدود صلاحیت وی بوده و به منافع ملی صدمه زده است. دلایلی که من دارم قرار ذیل است:

۱-کمیسیون ارزیابی تصدیها باید درباره این مسأله غور می نمود و آن گاه پیشنهادی را خدمت ریاست دولت مبنی بر فعال شدن ویا لغو این موسسه تقدیم می نمود، زیرا لغو چنین تصدیها از صلاحیت ریاست دولت است، نه از صلاحیت نمایندهء یک وزارت.

۲-در صورتی که انحلال این تصدی ارجح پنداشته می شد باید به داو طلبی ومزایده گذاشته می شد تا موسسات وتجار داخلی وخارجی درآن شرکت مي نمودند با امتیاز مناسب قرار داد می گردید.

۳-بهتر بود به جای الغای این تصدی شرکت سهامی مختلط ساخته می شد که در آن صورت منافع مالی دولت بیشتر تامین می بود.

۴-شرایط پذیرش هفتاد تن کارمند آن اداره روشن می بود، چون فعلاً در قرار داد شرایط خود موسسه نبراسکا ذکر گردیده است وافرادی که در این تصدی فعالیت دارند مانند مامورین دولت دارای سوانح و ترفیعات و ارتقاء درجه وسایر امتیازات ص ۵

دختر رز

حافظ

ساقیا آمدن عید مبارک بادت

وان مواعید که کردی مرواد از یادت!

برسان بندگی دختر رز، گو: به در آی

که دم همت ما کرد زبند آزادت

چشم بد دور! کز آن تفرقه، خوش باز آورد

طالع نامور ودولت مادرزادت

شکر ایزد که زتاراج خزان رخنه نیافت

بوستان سمن وسرو وگل وشمشادت!

در شگفتم که درین مدت ایام فراق

برگرفتی زحریفان دل و، دل می دادت

شادی مجلسیان در قدم فرخ تست

جای غم باد هر آن دل که نخواهد شادت!

حافظا! از دست مده صحبت این کشتی نوح

ورنه، توفان حوادث ببرد بنیادت!

بیامد عید ای ساقی

بیامد عید ای ساقی عنایت را نمی دانی
منم مخمور ومست تو قدح خواهم زدست تو
بیا ساقی کم آزارم که من از خویش بیزارم
چنان کن شیشه را ساده که گوید خود منم باده
به عشق وجست وجوی تو سبوبردم به جوی تو
تو خواهم کزنکوکاری سبو را نیک پرداری
میی اندر سرم کردی ودیگر وعده ام کردی

غلامانند سلطان را بیارا بزم سلطانی
قدح ازدست تو خوشترکه می جانست وتوجانی
بنه بر دست آن شیشه به قانون پری خوانی
بحق خویشی ای ساقی که بیخویشم تونشانی
بحمد الله که دانستم که ما را خود تو جویانی
ازان میهای روحانی وزان خمهای پنهانی
بجان پاکت ای ساقی که پیمان را نگردانی

که ساقی الستی تو ، قرار جان مستی تو
درخیبر شکستی تو به بازوی مسلمانی

عرفات

سید فضل الله قدسی

امشب به حال دل، چه بلایی رسیده است
کاین سان ردا به قامت صبرش دریده است
ای نام سبز ای عرفات ای دیار اشک
یک دشت میهمان به تو امشب رسیده است
جام دلم لبالب سوز است این پگاه
در بحر اشک مردم چشمم تپیده است
از آسمان ابری چشمم در این مکان
یک کهکشان ستاره به دامن چکیده است
شب، صبح شد پرنده نیامد به آشیان
این مرغ را چه کس؟ به کجا سر بریده است؟
در جستجوی یوسف خود گریه می کنم
آیا عزیز گمشده را کس ندیده است؟

تابستان ١٣٦٥ صحرای عرفات سحرگاه عرفه

داختر شپه!

زکوخیل

داختر شپه وه.
ښار پر درانه خوب ویده و.
باد لکه وړي ځناور، غرمباري کاوه.
ډیره سړه شپه وه.
ستورو دشنه آسمان په لویه،
او پراخه غیږ کې.
سترګکونه وهل،
او یو بل ته یې داختر مبارکي ویلې
دشپې په دې مړګوني چوپتیا کې،
چیرته لرې له یوه رنګ کوره،
دیو ماشوم دژړا غږ
باد په خپله سړه غیږ کې، تاو راتاو کاوه،
او لور پر لور یې لېږدوه.
چې ویل یې:
موري! موري! ډوډي غواړم.
موري! ساړه مې کیږي.
بې وزلې مور
خپل وړي ماشوم، دساړو له منګلو،
په خپله کمزورې او مهربانه غیږ کې،
پټ نیولی و.
له مړاوو اوښکو سره یوځای یې،
هغې ته ډاډ ورکاوه.
زویه! بچیه! مه ژاړه!
سبا اختر دي.
ګوندې یوڅوک، څه ډوډي،
خیرات راوړي
هو! خیرات
په دې شپه کې دښار په یوه څنډه کې
دیوې چاودنې غږ، دښار چوپتیا ماته کړه
او لکه زلزله ښاریې ولړزاوه.
هو! دسولې دښمنانو پرې دتوپونو
ګولې اورولې.

کابل، ۹-۱۱-۱۳۷۲

قسمت دوم

شاهنامه فردوسی

نیازی از زمان یا دستوری از سلطان

پرتو نادری

از این اشعار نیز روشن می شود که فردوسی مدت بیست سال پیش از ورودش به در بار سلطان محمود نظم شاهنامه را شروع کرده بوده است. هرچند فردوسی به قول نظامی سمر قندی از سوی پدر مالک باغ ها و زمین های فراوان بوده است ولی با وجود آن زمانی که به سرایش شاهنامه آغاز می کند امرا و اشراف علم دوست و ادب پرور از هیچ گونه مساعدت با وی دریغ نمی کنند. خاصتاً فتوت و مردانه گی منصور بن محمد که درآن روزگار حاکم طوس بوده است قابل یاد کردن است. فردوسی از او این گونه به نیکویی یاد می کند:

بدین نامه چون دست کردم دراز
یکی مهتری بود گردن فراز
جوان بود و از گوهر پهلوان
خردمند وبیدار و روشن روان
مرا گفت کزمن چه آید همی
که جانت سخن بر گراید همی
به چیزی که باشد مرا دسترس
بکوشم نیازت ندارم به کس

افزون برآن از بیت های زیرین نیز می توان در یافت که انگیزه و دلیل سرایش شاهنامه در نزد فردوسی نه دستور سلطان بل احساس مسوولیت و رسالتی بوده است که فردوسی در برابر تاریخ و فرهنگ مردم خویش داشته است.

به شهرم یکی مهربان دوست بود
توگفتی که با من به یک پوست بود
مراگفت خوب آمد این رای تو
به نیکی خرامد مگر پای تو
نوشته من این نامهء پهلوی
به پیش تو آرم اگر نغنوی
شو این نامهء خسروان بازگوی
بدین جوی نزد مهان آبروی
چو آورد این نامه نزدیک من
برافروخت این جان تاریک من

فردوسی رای خود را مبنی بر سرایش شاهنامه با دوست خود در میان می گذارد واو این را ی را می پسندد و "نامهءپهلوی" را برای فردوسی تسلیم می دارد. فردوسی سراسر شاهنامه هیچگاهی به این امر اشاره یی ندارد که گویا از سلطان محمود در جهت به نظم کشیدن شاهنامه دستوری گرفته است. اگر مسأله چنین می بود به صورت قطع فردوسی به آن اشاره می کرد، چنان که دیگران در این گونه موارد چنین کرده اند.

با آن چه گفته آمدیم زمانی که سلطان بزرگ سخن فردوسی به سرایش شاهنامه آغاز کرده بود نه سلطانی به نام محمود وجود داشت و نه هم امپراتوری در غزنه پدید آمده بود.

فردوسی نه در آغاز کار؛ بل در فرجام کار به در بار سلطان محمود رابطه پیداکرد. چنان که بنابر گفتهء عروضی سمر قندی نساخ فردوسی ؛ علی دیلم بود که شاهنامه را در هفت مجلد نبشت و بعد فردوسی با شاهکار بزرگش روی به غزنین نهاد. پژوهشگران این زمان را برابر با سال های آخر سدهء چهارم (۳۹۵ تا ۴۰۰) می دانند. واین زمان آوازهء سخنوری و رزم نگاری این شاعر بزرگ به گوش محمود و درباریان او رسیده بود. آن جا فردوسی به کمک دوست صاحب دم و دستگاهش فضل بن احمد اسفراینی وزیر دانشمند تصمیم می گیرد تا شاهنامه این سند مردمش را به سلطان محمود که درآن روزگار طبل قدرت و سیطره اش در سرزمین های گسترده یی کوبیده می شد، تقدیم بدارد. با دریغ که محمود نتوانست ارزش چنان گوهر آبدار را بشناسد.

اندر باب این که چرا ابو القاسم فردوسی مورد بی مهری سلطان محمود قرار گرفت روایات گونا گونی و جود دارد. چنان که در تاریخ سیستان که با دریغ تا هنوز نام جلیل مولف آن در هالهء از غبار روزگار کماکان پنهان مانده است، چنین می خوانیم.

ابو القاسم فردوسی شاهنامه به شعر کرد و بر نام سلطان محمود کرد وچندین روز همی بر خواند.

محمود گفت: همه شهنامه خود هیچ نیست مگر حدیث رستم و اندر سپاه من هزار مرد چون رستم هست.

ابوالقاسم گفت: زند گانی خداوند دراز باد! ندانم اندر سپاه او چندچند مرد چون رستم باشد؛ اما این دانم که خداوند تعالی خویشتن را هیچ بنده چون رستم دیگر نیافرید.

ملک محمود وزیر را گفت این مردک مرابه تعریض دروغزن خواند. وزیرش گفت بباید کشت. هرچند طلب کردند نیافتند. چون بگفت و رنج خویش ضایع کرد و بر فت هیچ عطا نا یافته تا به غربت فرمان یافت.

پایان

فلسفه واحکام...

معناً آماده اجابت خواست پروردگارش شد خداوند به او در بدل فرزندش گوسفندی اهدا کرد که برای همیش به حیث یاد بود به امت های بعدی باقی است.

این بود فلسفه معنوی قربانی که درس بزرگی برای جامعه بشری می دهد ولی متأسفانه قربانی در جامعهء ما و در عصر و زمان ما به شکل نا مطلوبی در آمده است که باید علمای اسلام در جهت بهبود آن کوشیده از فلسفهء درست آن مردم را آگاه سازند.

احکام قربانی:

گفتم قربانی یکی از شعایر دینی بوده که بر فرد فرد مسلمان که مقیم، آزاد، و توانگر باشد واجب است که در روزهای نحر، حیوانی را قربانی کند تا خود از آن استفاده نموده قسمت دیگر آن را به اشخاص مستحق برساند. قربانی از خود احکامی دارد که می توان آن را در نقاط آتی خلاصه کرد:

۱-**حکم قربانی:** علماء در این مورد اختلاف دارند ولی در نزد احناف قربانی واجب بوده است، گرچه دیگران به سنت بودن آن قایل اند ولی فتوای قول اول است. پس قربانی بنا بر مذهب ما بر هر مسلمان آزاد، مقیم و توانگر واجب است.

۲-**وقت ذبح:** بعد از ادای نماز وخطبه است که از وقت طلوع آفتاب آغاز می شود. نزد بعضی این حکم منحصر به شهرها بوده، یعنی در جایی که نماز عید خوانده می شود، در قسمت ها و جاهایی که نماز عید خوانده نمی شود از طلوع آفتاب تا آنکه به اندازه وقت نماز عید وخطبه می گذرد می باشد. خلاصه روزهای نحر روزهای قربانی می باشد که مدت آن سه روز است. و بهتر آن روز اول نحر که عبارت از دهم ذی الحجه یا نخستین روز عید می باشد است.

۳- **ذبح چه حیواناتی در قربانی جواز دارد؟** قربانی شتر، گاو، گوسفند و بز جواز دارد مشروط بر این که سال های خود را تکمیل نموده باشند، یعنی گوسفند و بز کم تر از یک سال و گاو کم تر از دوسال نداشته باشد. و همچنین دارای اوصافی که مانع قربانی باشد که بعداً ذکر خواهد شد نباشند. افضل است که همچو حیوانات فربه بوده عاری از عیب باشند.

۴-**ذبح حیواناتی که در قربانی جواز ندارد:** علاوه بر حیوانی که در فوق ذکر شد حیوانات دیگر قربانی آن جواز ندارد، در کتب فقه اشاره شده است که حیوانات کوهی چون بزهای کوهی و آهوان نیز جایز است ولی نظر ما در این جا بحث های فقهی نبوده بلکه ذکر حیواناتی که فاقد اوصاف مطلوب است می باشد. این حیوانات قرار آتی است:

-حیواناتی که سن های مطلوب را تکمیل نکرده باشند ویا نهایت ضعیف و کهن سال باشد که حتی نتوانند به پای خود تا قربان گاه بروند.

-حیوانی که نصف گوش آن بریده باشد، ویا گوشش دارای سوراخ مدوری باشد، در همچو حیوان گوش های خرد و کوچک باکی ندارد ولی حیوانی که ذاتاً گوش نداشته باشد قربانی آن درست نیست.

قربانی کردن مظهری است برای تهی نمودن قلب از غیر یاد خدا و هنگامی می توان از این مناسک بهرهء تربیتی گرفت که تمام صحنهء ذبح اسماعیل و روحیات پدر و پسر به هنگام قربانی در نظر مجسم شود و آن روحیات در وجود انسان پرتو افگن گردد.

-حیوانی که شاخ آن شکسته باشد؛یعنی از بنیاد از بین رفته باشد و اگر قدر کمی شکسته باشد نزد ابو حنیفه (رح) جایز است. و همچنین حیواناتی که ذاتاً شاخ ندارند قربانی آن جایز است.

-حیوانی که یکی از اعضایش ناقص باشد، یعنی دم بریده یا کور باشد ویا یکی از پاهایش از بین رفته باشد. ولی حیوان که لنگ باشد مگر بتواند که به پای لنگ خود حرکت کند قربانی آن جایز است.

-حیواناتی که دندان هایش شکسته ویا از بین رفته باشد درست نیست.

مصرف گوشت های قربانی:

قربانی کننده می تواند که خودش از گوشت قربانی اش استفاده نماید و نیز به دیگران آن را توزیع کند ویا بدون این که به کسی بدهد خودش کاملاً آن را بخورد ولی بهتر است که گوشت های قربانی به سه قسمت تقسیم شود که یک قسمت آن را خودش تناول کند وقسمت دیگرش را به خویشاوندان بدهد و قسمتی سومی به فقرا و نیازمندان.

قربانی کننده نمی تواند که همه گوشت های قربانی را به فروش رساند ویا قسمتی از آن را در بدل اجرهء ذبح کننده بدهد. ویا بیشتر از سه روز آن ذخیره نماید. و همچنین قربانی کننده نمی تواند پوست و دیگر چیزهای اضافی ترش را به فروش رساند باید آن را به منفعت عامه بسپارد.

اشتراک در قربانی: اگر حیوان قربانی گاو ویا شتر بوده باشد هفت تن می توانند که در آن شرکت ورزند ولی در گوسفند و بز بیش از یک تن نمی تواند شرکت نماید. یک قربانی برای همه خانواده کافی بوده است ولو تعداد ایشان بیش از هفت تن هم بوده باشد. زیرا از ابوایوب انصاری در مورد چگونگی قربانی در زمان پیامبر پرسیده شد در جواب گفت هرکس از خود وخانواده اش گوسفندی را قربانی می کرد. و خود و خانواده اش از آن تناول می کردند.

آداب قربانی: قربانی از خود آدابی دارد که باید هنگام ذبح مراعات شود این آداب به شکل فشرده قرار آتی است:

حیوان قربانی باید به پهلوی چپش خوابانده شده ذبح شود و هنگام ذبح، بسم الله و تکبیر فراموش نشود ودعایی که در کتب فقه ذکر است خوانده شود -ذکرش را در این جا مناسب نمی بینم- و همچنین بهتر است که قربانی کننده خودش قربانی خود را ذبح کند و اگر از اجرای این کار عاجز بود باید کسی دیگری را استخدام نماید ولی خودش حضور داشته باشد و تسمیه و تکبیر را خودش نیز بگوید.

این بود احکامی که ذکرش را در این جا لازم دیدم احکام تفصیلی آن در کتب فقه آمده است.

تصدی مطبعه آریانا...

دولتی می باشند، حالانکه شرایط موسسهء متذکره شاید قرار داد بدون ترفیع و تقاعد بوده و در آینده به درد این افراد نخورد.

۵-در مادهء اول این قرار داد تذکر رفته است که "در اخیر هرپنج سال که سپری می گردد دو فیصد بر مبلغ فوق الذکر افزایش می گردد." اولاً: کرایه مبلغ قابل ذکر نیست. ثانیاً: مطابق لایحه شاروالی این افزایش باید سالانه انجام پذیرد، نه هر پنج سال.

ثالثاً: این تزیید باید از پنج الی پانزده فیصد باشد، در این صورت حتی اگر حد نازل افزایش سالانه در نظر گرفته شود در مدت پنج سال بیست وپنج فیصد کرایه افزود می گردد نه دو فیصد.

۶-در مادهء سوم این قرار داد چنین آمده است:"مطبعهٔ پوهنتون نبراسکا تعهد می نماید که نشرات مربوط وزارت اطلاعات وفرهنگ را پنج فیصد ارزانتر از نرخ مقید خود طبع می کند." دوستانی که با مطبعه دولتی ویا آزادی فعلی سروکار دارند می دانند که مطبعه چاپ روزنامه های دولتی وکارهای مربوط به وزارت اطلاعات وفرهنگ وسایر ادارات ونهادهای دولتی و شخصی را با تزیید چهل فیصد مفاد خالص انجام می دهد، از این رو است که مطبعه دولتی با بازار آزاد رقابت نموده نمی تواند و اکنون به جز روزنامه های دولتی هیچ نشریهء آزاد در مطبعه به چاپ نمی رسد و عملی شدن این مادهء قرار داد کار مطبعه را یک سره خواهد کرد.

۷-در مادهء ششم این قرار داد فوق العاده (!؟) چنین آمده است: "در پایان مدت بیست سال قرار داد تعیین شده اگر پوهنتون نبراسکا کار وفعالیت های خود را در افغانستان خاتمه دهد در آن صورت تاسیسات و ماشین آلات آن البته جزء ملکیت افغانستان خواهد بود." جناب مبارز صاحب این ماده را چنین تصحیح کرده است "در پایان مدت بیست سال قرار داد تعیین شده اگر پوهنتون نبراسکا هر وقت که کار وفعالیت های خود را در افغانستان خاتمه دهد...".

مقامات وزارت اطلاعات وفرهنگ تذکر این ماده را از موفقیت های چشمگیر کارشان به حساب می آورند، زیرا بعد از بیست سال ویا هر وقتی که پوهنتون نبراسکا بخواهد کارش را متوقف سازد ماشین آلات آنها جزء ملکیت افغانستان خواهد شد!!

این دوستان ما باید بدانند که در مدت بیست سال این ماشین آلات از کار می افتد، دورهء استهلاک شان پایان می یابد وشاید دیگر موردی برای استعمال نداشته باشد. آنگاه قضیهٔ یی فابریکه چینی سازی شاکرتکرار خواهد شد که نه دارای مطبعه یی دولتی خواهیم بود و نه صاحب ماشین آلات جدیدی.

من فکر می کنم بهتر این بود مقامات محترم وزارت اطلاعات وفرهنگ به فکر خریداری ماشین آلات جدید به هردو مطبعهء آزادی وآریانا می شدند و می توانستند با تغییر سیستم حسابی هردو مطبعه با بازار آزاد رقابت نمایند.

۷- سرنوشت ماشین آلات باقیمانده مطبعه آریانا در پروتوکول مشخص نیست. نماینده نبراسکا از مسوولین مطبعه آریانا مصرانه می خواهد تا هرچه عاجلتر ماشین آلات خویش را جهت جابجا سازی ماشین آلات جدید از مطبعه دور کنند ووزارت اطلاعات وفرهنگ گفته است: تا این ماشین آلات را به مطبعه آزادی تسلیم بدارند، روی چه اسناد ومدارکی این را انجام می دهند.

۸- موضوع قرضه دافغانستان بانک مجهول باقی مانده است.

آیا وزارت اطلاعات وفرهنگ جوابی خواهد داشت؟ منتظر باشیم تاببینم چه کاری دیگر می کنند؟

در سر آغاز پایان...

که در راس آن "اتحاد شوروی بزرگ" قرار داشت قرار بدهد.

دقیقاً اعلان فرامین هشت گانه "شوری انقلابی" کمونستها مانند جرقه های تند آتش قیام وجهاد را در جای جای افغانستان مشتعل ساخت که در میان شعله های آن آرمانهای کمونیزم جهانی روز تا روز سوختن گرفت تا آنجا که به مردم ما وجهان آشکار است

ارتش سرخ در افغانستان از همان روزهای آغاز ورود واشغال افغانستان کار سرکوبی مردم افغانستان را آغاز کرد و چنان در زیر فشار حملات وبمباردمان های وحشیانه ارتش سرخ افغانستان آماج قرار گرفت که طی سالهای کوتاهی بسیاری از روستاها، شهرها و آبادی های افغانستان به ویرانه مبدل گردید. در حالی که طی همین مدت اضافه از هشت ملیون انسان بی گناه هموطن ما راهی دیار هجرت شدند وده ها هزار آنان در دشت های سوزان مهاجرت از گرسنه گی و تشنه گی و تموز سوزان جان به جان آفرین سپردند.

جهاد قهرمانانه ملت مسلمان افغانستان، که دین و آزادی خود را برابر به همه هستی وجان خود وحتی برتر از آن دوست داشتند صفحات خونینی را در تاریخ معاصر افغانستان کشوده است که در آن خون بیش از دو ملیون انسان هموطن ما مانند امواج طوفانی دریایی متلاطم هستی متجاوزین را نابود کرد وبه بشریت ارمغانی آورد که در تاریخ ملل دنیا ثبت خواهد بود.

ارتش سرخ در افغانستان عملیات سنگینی را در طول سالهای اشغال راه انداخت که در اثر آن بیشترین تاسیسات و عمرانات دولتی در قراء وقصبات از بین رفت و بدتر از آن بیشتر از دوملیون انسان هموطن ما جام شهادت نوشیدند و صدها هزار دیگر آنان معلول ومعیوب گردیدند. میراث بزرگ وفاجعه بار تجاوز ارتش شوروی به افغانستان برجا ماندن بیش از ۱۵ ملیون مین در اراضی مختلف است که به قول یک تن از افسران عالی رتبه شوروی سابق پس از ختم دوران جنگ این مین ها سالهای سال در برابر مردم افغانستان خواهند جنگید وقربانی خواهند گرفت.

خروج شوروی وقت از افغانستان اسطورهء شکست ناپذیری ارتش سرخ را در دنیا نقش برآب کرد و نشان داد که مردم مسلمان و مقاوم افغانستان وقتی اراده کنند در برابر هر ابرقدرتی قیام خواهند کرد و در این راه با دادن قربانی آزادی و استقلال خود را به دست خواهند آورد.

مردم افغانستان با جهاد مقدس خود، آزادی واستقلال خود را در جهان مسجل ساختند و دنیا می داند که در نتیجه این جهاد مقدس بود که ملتهای دربند آسیای میانه وسایر جمهوری های اروپایی اتحاد شوروی وقت واروپای شرقی یوغ اسارت را گردن بیرون کردند ودر طی چندسال محدود یک یک به آزادی واستقلال نایل شدند. این کشور ها همه در مجموع مرهون مبارزات قهرمانانهء جهاد ملت مسلمان ومردم شجاع افغانستان هستند.

افغانستان مانند انبار باروتی در آخرین سالهای قرن (۲۰) منفجر شد وپی درپی این انفجار سیمای دنیا را دگرگون ساخت.

آتش انفجار در افغانستان پایان گر جنگ سرد و آغازگر دنیای بی تهلکهء کمونیسم بود.

موضعگیری ها در برابر جهانی شدن

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

پیوسته به گذشته

گرچه نوشتار ها پیرامون جهانی شدن به اندازه زیاد و روبه گسترش است که بررسی همه آن ها و درک موضع نویسندگان این نوشتار ها در برابر پدیده جهانی شدن کاری است بس دشوار، ولی با زهم می توان همه این موضعگیری ها را در سه کتگوری ذیل به بررسی گرفت.

۱.موضع تسلیم و حرکت در مسیر آن
۲.موضع انکار گرایانه
۳. موضع خوشبینانه

که اینک به تشریح هر یک از آن ها می پردازیم

موضع تسلیم گرایانه:

رهروان این طرزدید آن بخش از فرهنگیان اند که هویت اسلامی آنان روبه اضمحلال رفته و آثری از این هویت برخاسته از مبادی عقیدتی ارزش های انسانی و احکام قانونی نشئت گرفته از قران و سنت، در فکر و روح آنان باقی نه مانده است.

ناگفته پیداست که همچو موضعگیری از این دسته فرهنگیان، موضعگیری نوی نه بوده و این همان موقفی است که از آغاز خود باختگی عقلی و فکری در برابر تمدن غربی، آن را به میراث برده و کفر خویش نسبت به شرق وایمان شان به غرب را اعلان کردند.

فرهنگیانی از این طراز چون طه حسین در نخستین مراحل کارش و نمونه های آن در سایر کشور ها اسلامی، مسلمانان را مکلف میدانند که اگر خواهان تمدن وعزت اند، باید راه اروپائیان را در همه خوبی ها و خرابی هایش تعقیب نمایند، وضع این دسته تا همین اکنون هم در مراحل مختلف غربگرایی ، نوگرایی و جهانی شدن گرایی ، همان وضع گذشته است.

در برابر این حالت خود باختگی نسبت به جهانی شدن که برخی ها رابدرجه دیوانگی رسانیده است، داکتر محمد عماره به نکته بس مهم توجه کرده آنجا که ضمن ابراز عقیده در این مورد می گوید: " مرحله جهانی شدن که آخرین مرحله صعود و گناه ورزی غرب نسبت به مسلمانان ذریعه غربی سازی بوده ومنجر به هلاک و نابودی ما گردیده است ، گوئی به این دسته از فرهنگیان ما برات نجات بخشیده است!

این گروه در اصل خویش همان غربگرا های اند که زندگی خویش را در دعوت به نوگرایی به شیوه غربی آن -حتا بعد از آنکه غرب از این شیوه به نیستی گرایی و ازهم پاشیدگی رو کرده است- ، سپری کرده اند.

آنان هیچگونه احساس و درکی از نسبت خویش به فرهنگ اسلامی ما ندارند . فرهنگی که در زمره فرهنگ های تقلیدی حسابش نموده و به این باورند که باید جای خود را به فرهنگ نو گرایی و تجدد طلبی غربی واگزارد.

آنان در مرحله پیش از جهانی شدن تا اندازه احساس حرج می کردند که بجای باورهای تاریخی و دینی خویش الگوئی تازه از بیرون آمده را برگزیدند، اما زمانیکه تند باد جهانی شدن به وزیدن آغاز کرد، به گمان اینکه وجدان ها یشان از مسئوولیت گزینش و برتری دادن این مهمان تازه و اردشده ، برداشته های خود را راحت یافته است ، خوشحال شدند.

کار فرهنگ موروثی از نظر شان با آمدن مرحله جهانی شدن، پایان یافته وچون قضا وقدری است که هیچگونه اختیاری برای آنان در زمینه باقی نمی گذارد، از همین جا است که هیچگونه گناهی در گزینش جهانی شدن احساس نمی کنند؛ زیرا زمینه گزینش اصلا باقی نمانده است، و برای باورهای موروثی دیگر محل اعرابی نیست.

می توان در علت یابی دکتور عماره نسبت به این حرکت دادن شتاب الود ملت به سوی جهانی شدن از نظر این گروه ، چیزی دیگری هم افزود و آن اینکه این جهانی شدن برای آنان چون برات نجاتی بود که بعد از ناکامی شان -در فرایند عزت فکری و علمی ملت- در خلال چند دهه برخورداری از سیطره مطبوعاتی، سیاسی در بسا کشور های اسلامی ، به میان آمد.

نتیجه آن هم بر عکس آنچه آرزو می بردند ، جز شکست آنان و قدرت های پشتیبان شان چیز دیگری نبود.

آری در برابر این همه تلاش های اسلام دشمنانه و فرهنگ ستیزانه غرب گراها نه تنها فرهنگ اسلامی کم رنگ نه شد بلکه از بستر آن جنبش اسلامی پرهنگامه ای جوانه زد که گوش های آنان را کر و پایان دوران شان را اعلان کرد.(۲)

در چنین وقتی است که جهانی شدن بخاطر پشتیبانی و نجات آنان از چنین وضع هلاکتبار شان ، وارد معرکه می شود، زیرا آنان بعد از این رسوائی یا باید دار ودیار شان را ترک می گفتند ویا با این شخصیت تشکل یافته از مفاهیم و ارزش های ویژه شان که در تضاد با جامعه آنان می باشد، در گوشه های عزلت زندگی نمایند. جهانی شدن بنابه تصور این گروه با ارزش های که دارد جوامع آنان را چون سیلی فراخواهد گرفت و همه حرث ونسل را در کامش فرو خواهد برد و تنها آن ها اند که از این جهانی شدن چون زورقچه های بدور از این سیلاب بهره خواهند برد. این گروه جهانی شدن را بر بنیادهای حقوق بشر، دموکراسی، علم، عقلگرایی و فرهنگ جدید و... به تصویر می کشند.

جهانی شدن به تصور این گروه عبارت است از: "فرایند آزادی از دولت قومیت گرا وگام نهادن به پهنای یک نظام انسان گرایانه، آزادی از نظام پلان گذاری حاکم و رفتن به نظام بازار آزاد، آزادی از وابستگی به فرهنگ تنگ متعصب وروکردن به یک فرهنگ جهانی که همه مردم و ملت ها در آن برابرند، آزادی از تعصب و وابستگی به ایدیولوژی معین و پذیرش طرز دیدهای مختلف بدور از هر گونه تعصب و یاتشنج و بالاخره آزادی از هر گونه لاعقلانیت برخاسته از جانبداری به ملت و دین ویا ایدیولوژی مشخص و توجه به عقلانیت، علم و .

بنابه همه آنچه گفته آمد شگفت آورنخواهد بود که فرهنگیانی از این طراز، فرهنگ ملت خویش را بدیده تحقیر بنگرند و منکر اصالت و ایجابیت آن شوند، و آن را فرهنگی وا نمود سازند غیب گرا و منسوب به گذشته -که در جهان حاکمیت مصالح ومنافع ونسبت گرائی ها و تحولات فکر ی-، به اخلاق و متون مقدس تکیه می زند، به همین علت است که در برابر حرکت جهانی شدن که بر همه عناصر قدرت وخواسته های بیشرفت انسانی متکی میباشد، مقاومتی از خود نشان نمی دهد.

بناء حرکت جهانی شدن از نظر آنان ، حرکتی است فراگیر که هیچکس توان استادن دربرابر آن را ندارد و همه را ولو در کاخ های شیشه ای هم باشند زیر چتر خود قرار خواهد داد.

حرکت جهانی شدن قضائی است همه گیر که کس توان فرار از آن را ندارد.

و آن حرکت طوریکه آنان تأکید دارند چون جبر تاریخ است که گریزی از آن متصور نمی باشد.

این همان قطار فوکویا ما است که هر که سورا آن شد داخل مدینه فاضله لیبرالیزم غربی گردیده وهر که از سواری آن سرباز زد، همانطور در خشکه ها وبیابان ها دوچار هلاکت خواهد شد.

ادامه دارد

پیام جمعیت اسلامی ...

گردیده است که در پرتگاه ذلت و نابودی فرو افتد.

داستان قربانی نمودن فرزند دلبندی آن هم در عنفوان جوانی، توسط پیامبری چون حضرت ابراهیم به خاطر انجام دستور آفریدگار هستی، داستانی است، آگنده از رازهای بس ارزنده و آموزنده، داستانی که شهسوار بزرگ آن با انجام صادقانه فرمان آفریدگارش، افتخار نیل به تاج "قد صدق الرؤیا" را از فراز عرش برین کمائی نمود.

آری! ملت مسلمان افغانستان که طی سه دهه اخیر از تاریخ معاصر خویش با الهام از آموزه های بزرگ ملت ابراهیمی که قربانی در پیشاپیش همه آن ها قرار دارد بزرگترین قربانیها را ، در راه برتری دین خدا و کلمه آن و آزادی کشور تکبیر شعار خود از شر تجاوز وتروریزم به پیشگاه خداوند منان پیشکش کرده است وکشور خود را به عنوان نمادی از آزادگی و آزادیخواهی با چشم پوشی از همه تعلقات و وابستگی ها در برابر جهانیان به نمایش گذاشته و به پیروان دین ابراهیم دانانده که تنها با دادن قربانیهاست که می توان به ذروه های بلند انسانی عروج نمود اکنون ملت مسلمان افغانستان که به یمن قربانیهای بیدریغ خویش در برابر تجاوز گران توانسته است شاهد قطع جنگ باشد و تأمین امنیت را در آغوش گیرد، نیازمند آن است که با فراهمی ساز وکار و شرایط و توجه جهانی نسبت به آن، کار گردانان اداره این کشور به دور از هر گونه تعلقات سمتی و منطقه یی و گروهی -که گاهی بادهای زهر آگین آن ها از این سو و آنسو به حرکت می افتد- کمر همت ببندند که زخم های به میان آمده از نفاق و مداخلات خارجی، التیام یابد و ملت ما به سوی یک زندگی شگوفا و بهره مند از شرایط انسانی گام بردارد و در پاسداری از امنیت به دست آمده صادقانه کوشا باشند و برنامه های اساسی را در دفاع از آزادی، استقلال و برپایی اقتدار ملی طرح و ملت تکبیر خوان وقربانی شعار افغانستان را از بازیچه قرار گرفتن در دست قدرتهای منطقه یی و بین المللی، نجات دهند. در اخیر یک بار دیگر فرا رسیدن این روزهای پرمیمنت را برای فرد فرد ملت مسلمان افغانستان و کافه امت اسلامی و رهبر جمعیت اسلامی افغانستان وکار گردانان دولت انتقالی اسلامی تهنیت و تبریک گفته و از همه شما آرزو می بریم که کدورت های گذشته را از دل ها بزدایید و در راه ایجاد یک جامعه برخوردار از مهر و محبت گام برداشته و از بی نوایان و مصیبت دیدگان دلجویی نمایید و در رفتن به عیدگاه ها با زمزمه شعار های "الله اکبر الله اکبر، لا اله الاالله و الله اکبر الله اکبر ولله الحمد" فضای میهن اسلامی خویش را تکبیر باران نمایید و مساجد شهر و ده خویش را غرق حمد تهلیل نمایید.

والسلام

عید همه شما مبارک
کینه ها و کدورت ها نابود
دهکده های مهر و محبت آباد

کابل
دفتر مرکزی جمعیت اسلامی افغانستان

عید فرا می رسد...

و در راه رضای باری تعالی گام می گذارند.

می رویم به سراغ شهر و به سراغ مردم شهر خویش تا دریابیم که چگونه آنها به استقبال عید می روند؟

روزهای عید بدون هیچ تفاوتی برای همه یک سان روز خوشی و صمیمیت است، اما تفاوت در کجاست؟

این تفاوت را بیایید در سیمای مردم خویش و در سیمای شهر وزندگی دریابیم.

در روزهای عید چه فقیر وچه دولت مند هریک می خواهد سفره خویش را رنگین سازد و با صمیمت از دوستان و مهمانان خویش پذیرایی کنند.

شهر بسیار مزدحم است، در هر کنار جاده فروشنده ها متاع خویش را هموار ساخته اند تا مشتریان را جلب نمایند. دکان های کلچه و نقل وشیرینی هم به همین گونه در صدد جلب خریدار اند.

اما آنچه از آن اثری نیست کنترل بر قیم اشیا وامتاع می باشد. به بهانه فرا رسیدن عید هر که می خواهد با نرخ دلخواه اشیای خویش را عرضه نماید وخریدار مجبور است خرید نماید، زیرا عید فرا می رسد وباید سفره اش را رنگین سازد.

حال می رویم به سراغ چند همشهری خویش تا آرزوها و مشکلات آنها را در این روزها بدانیم:

امین الله کارمند وزارت اطلاعات وفرهنگ می گوید: روزهای عید روزهای خوشی است. زندگی مامور و کارمند دولت وابسته به این است که چه وقت معاش می گیرد وچطور آن را مصرف کند. در عید رمضان همین که یک ماه بخششی برای مامورین اعلان شد همه بسیار خوش شدند. من خودم توانستم از همان پول بخششی برای اولادهای خود لباس بخرم و همچنان مصارف عید را بکنم.

در این عید، امروز که یک روز به روز عرفه باقی مانده تا هنوز وزارت مالیه و بانک معاش مامورین را اجرا نکرده، یک روز باقی مانده آن هم معلوم نیست که اجرا شود یا نشود، شما فکر کنید در یک روز آدم چه می تواند از آن بخرد ویا برای فرزندان خود لباس بسازد؟.

خلیل الله کارمند وزارت مخابرات می گوید: در این وطن مامور اصلاً کدام عیدی ندارد. عید برای پولداران وثروتمندان است که آنها می توانند لباس خوب بپوشند وخوراک خوب تهیه کنند و از مهمانان خود در روز عید هم خوب استقبال کنند. ما غریب ها حتی برای فرزندان خود هم یک دست لباس خریده نتوانستیم. مقامات دولتی هیچ در فکر عید وخوشی مردم نیستند با وصفی که همیشه ادعا می کنند، اما معاش مامورین را در همین روز های عید تا هنوز اجرا نکرده اند.

احمد شکیب کارمند شرکت آریانا که تازه نامزد شده است و از مصارف بیجا وپابندی به عنعنات خرافی شکوه هایی دارد ، می گوید: در کشور ما رسم ورواج های بسیار نا درستی وجود دارد که زندگی اکثریت از خانواده ها را به باد فنا داده است به طور مثال در روزهای عید خانواده داماد باید چند دست لباس مکمل با خوراک واشیای دیگر به خانه نامزد خود ببرد، اگر چنین کاری را نکند باعث رنجش خانواده‌ٔ نامزد وحتی عواقب ناگوار دیگر می گردد. پس انسان مجبوراً باید آن را انجام دهد. اگر از طرف دولت و ارگان های مخصوص توجه صورت بگیرد تا حدی شاید جلو این گونه مصارف بیجا گرفته شود اگر کاملاً از بین نرود.

تجلیل از روزهای عید چه جلوه و چه مشکلاتی را در پی خواهد داشت؟

در صبحگاه اولین روز عید قربان، مسلمانان در عیدگاه ها جمع می شوند و دو رکعت نماز عید را ادا می سازند. در پایان نماز دست عاجت به درگاه الهی بلند می کشند و برای خود وبرای خانواده وبرای وطن خویش آرامش، سعادت وزندگی در فضای صلح وبهزیستی آرزو می دارند.

بعد از ادای نماز مردم محله و قریه با صمیمیت یک دیگر را در آغوش می کشند و عید را برای یکدیگر تبریک می گویند. بعد از ادای نماز آنانی که توانایی قربانی را دارند قربانی شان را ذبح می کنند وبه فقرا و اقارب خویش تقسیم می دارند.

در روزهای عید که مردم ما از گران فروشی مواد خوراکه و پوشاک رهایی یافته اند در دام گران ستانی تکسی رانان می افتند. چنان که دیده شده است در روزهای عید مشکل مواصلات از جمله مشکلاتی می باشد که هموطنان ما را رنج می دهد. به علت عدم موجودیت مواصلات منظم در شهر، مردم مجبور اند از تکسی استفاده کنند و تکسی رانان که فرصت را غنیمت می دانند کرایه دوچند وگاهی چندچند به دست می آورند.

آیا مرجعی برای کنترل وجود دارد؟ ترافیک کابل با فرارسیدن عید صرفاً توانسته است از طریق رادیو وتلویزیون نرخ تکسی ها را کنترل نماید اما عملاً هیچ دیده نشده است که در روزهای عید چنین امری جنبه عملی به خود گیرد. باز هم انتظار هموطنان ما در روزهای عید چنین است که بتوانند از مواصلات بهتر ومنظم تر استفاده برند و جلو خود سری های تکسی رانان تا حدودی گرفته شود.

لبیک اللهم ...

مراسم حج سر از امروز یکشنبه هشتم ذی الحجهٔ آغاز می گردد. حاجیان امروز به منی می روند و شب را در آنجا می ماندند و فردا نهم ذی الحجهٔ جهت وقوف به میدان عرفات می روند واین اجتماع بزرگ انسانی که همه لباسهای سپید احرام برتن دارند وهمه فوارق و تمایز های زندگی دنیایی را کنار زده اند تا مغرب در این جامی ایستند و به خدای یگانه جان و جهان به راز و نیاز می پردازند. پس از مغرب رهسپار مزدلفه جایی در میان منی وعرفات می شوند. شب در مزدلفه می ماند فردای آن، روز دهم نخستین روز عید اضحی حجره کبری را می زنند، پس از آن قربان می کنند و پس از آن سر می تراشند یا موی کوتاه می کنند، سپس طواف افاضه برجای می آورندبه و سعی بین صفا ومروه می پردازند و بااین کار ارکان حج را به جای می آورند.

دفلسطین دمظلوم ولس دخپلواکۍ مسأله



ش. زیارمل

دصهیونستانو ټولنې له دویمې عمومي جګړې وروسته هڅه وکړه چې دسترو درواغونو ویلو سره دنړۍ والو په خاص ډول د جګړې دسوبه والو (دامریکا متحده ایالاتو، انګلستان، فرانسې) زړه سوي دځان په لوري جلب کړي؛ نو په دویمه عمومي جګړه کې یې خپل دسر زیانونه په مبالغه آمیزه توګه ان شپږ ملیونو کسانو ته لوړ کړل او ویل به یې چې دغه کسان زیاتره د نازیزم دانسان سوزولو په بټیو کې له منځه لاړل.

وایي دروغ چې هرڅومره ستروي خلک پرې باور کوي. ددغه راز درواغو او تبلیغاتو په نتیجه کې دجګړې کامیابو خواکونو د مثلث ځواك په نامه چې امریکا ، انګلستان او فرانسه پکې شامل وو هڅه وکړه چې صهیونستان دیور شلم په نامه خپل آبائي ټاټوبي ته راستانه کړي ترڅو دوي وکولای شي په بالقوه توګه د یو صهیونستي اداري دجوړولو کار پر مخ بوځي اوخپل شوم مرامونه تر لاسه کړي.

له بلې خوا امریکا چې په دویمه عمومي جګړه کې یې بري تر لاسه کړي و هڅه یې کوله چې په منځني ختیځ کې هم ځان ته د پښو اېښودلو ځای پیداکړي، څرنګه چې سیاسي معادلې دامریکا په ګټه بدلې شوي وي نو ددغه هېواد او صهیونیزم ترمنځ ټینګ پیوند پیداشو، ځکه اصلا د امریکا یو هدف داؤ چې دمنځني ختیځ دتیلو له سرشارو زیرموڅخه په خپله ګټه کاراخلي او دغه وخت چې ورته پیداشویدي له هغه نه زیاته ګټه تر لاسه کړي چې په سیمه کې د خپلو اړتیا و سره سم سیاسي ، اقتصادي او پوځي تحرکات منځ ته راوړي او کنترول یې کړي.

موږ په تیره څه د پاسه نیمه پیړۍ کې وکتل چې صهیونستانو په زیاته بې رحمې، حرص او زور زیاتي دګاونډیو عربي هېوادونو په خاوره څو څوځله یرغل وکړ اود عربي هېوادو نو له خود خواهي، بې اتفاقي او بې ځایه غرور څخه په ګټې اخستنې سره یې په ۱۳۴۶ کال کې په عربي هېوادولکه سوریې، مصر، اردن اولبنان باندي یو ستر یلان شوي خونړي یرغل وکړ چې په نتیجه کې یې له مصر څخه دسینا ستره دښته، له سوریې څخه دګولان لوړې اوله اردن، لبنان او فلسطیني ولس څخه یې هم زیاتي سرحدي سیمې په خپل کنترول کې راوړې او دخپلې پراختیا غوښتنې لومړنې پلان ته یې تحقق ورکړ. خوله دغه بري وروسته هم اسرائیل ارام کښیناست اوددي لپاره چې په دغو نیول شویو سیموکي خان

همیشنی ا. ا اتی ګټې دفلسطین دشړل شوي او مظلوم ولس په خاوره کې یې دصهیونیستي بلاکونو او ښارګوټو په جوړلو لاس پورې کړ اودغه کارته په دوامداره توګه دوام ورکوي.

موږ په تیره نیمه پیړۍ کې دا هم ولیدل چې داسرائیلو دتجاوز او تیري په وړاندې که له یوې خوا په ټوله سوله دوسته نړۍ او په خاص ډول په اسلامي هېوادو کې دنارضایت او مخالفت څپې مخ په زیاتیدو دي او ټول سوله دوست بشریت دفلسطین دمظلوم او شړل شویو خلکو دحق خود ارادیت غوښتنه کوي. نوله بلې خوا په ملګرو ملتو کې هم دفلسطینیانو د داعیې په وړاندې مثبت عکس العمل څرګند شوي او د امنیت شورا په ۱۴۰۲ او ۱۴۰۳ لمبر پریکړو کې په څرګنده توګه له عربي خاورو څخه د اسرائیلو دوتلو او له جګړې نه مخکې خپلو پولو ته دستنیدلو حکم شوي؛ خو له بده مرغه چې دصهیونیستي حامیانو او هم پیمانانو خواکونو له خوا تل دغه راز دحق او حقیقت پریکړې او دانصاف او عدالت آواز د ویټو له حق څخه په استفادي سره نه دي منل شوي او لاوس هم په سیمه باندې د زور ظلم، جا طلبي او خود خواهي توره وریم جوړه ده

داسې ورځ نه شته چې دفلسطین د خوریدلې اولس په خاوره باندې داسرائیلي ټانکونو او الوتکو برید ونه شي او داسې ورځ نه شته چې ددغه مظلوم اولس کورونه او شمې دجنګ جګړو په اورونو کې ونه سوزي او په لسګونو بې ګناه او بې دفاع ملکي خلك، معصومې ښځې او دهغوي بچیان او همدا رنګه دفلسطین دخاوري مدافع او آزادي دوست زلمیان ددښمن دټوپونو په ګولیو سوري سوري نه شي.

موږ په دې باور یو چې دنړۍ هیڅ قدرت په ددې توان ونه لري چې دفلسطین خلك له خپل مشروع او جایز حق یعنې آزادۍ څخه دتل له پاره بې برخې وساتي او په دې هم باور لرو چې داسرائیلو زور زیاتي اختناق او ربدي کول به یو ورځ کې په هغو توږو تر مخو کې ورب شې چې ددوې دظلم او تیرې نه راپیدا شویدي او دفلسطین دمظلومو خلکو داتوره شپه به سبا او دخپل آزاد سوبڼت څښتان به شي

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

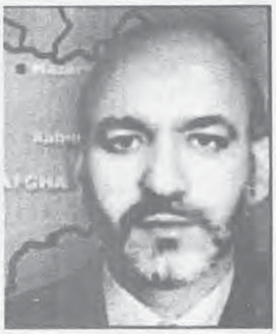
شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال اول شماره چهاردهم یکشنبه ۲۰ دلو ۱۳۸۱ - ۸ ذوالحجه الحرام ۱۴۲۴ - 9 February 2003

نخست وزیر پاکستان دریک تماس تلفنی ازآقای کرزی رئیس دولت خواست

اسیران پاکستانی در افغانستان به زودی رها شوند



آقای حامدکرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان ضمن صحبت تلفنی با نخست وزیر پاکستان، میر ظفر الله جمالی درپاسخ به تقاضای ایشان ، وعده سپردند قبل از فرارسیدن عید سعید اضحی اسرای مورد نظر جمالی در افغانستان، رها خواهند شد.

این مطلب رادنیوز(The News) روزنامه مشهور پاکستانی پنجشنبه شش فبروری خود به چاپ رسانیده است واضافه می کند این موضوع که از سه شنبه باردیگر ازطریق تلفن در خواست گردیده است، یک بخش مهم صحبت های آقای جمالی با رئیس دولت افغانستان در عشق آباد بود.

لازم به یادآوری است که همین حالا هزاران افغان در زندانهای پاکستان بسر می برند و هیچگونه اقدامی برای رهایی آنان ازسوی حکومت پاکستان صورت نمی گیرد. این در حالی است که بر اساس گزارش های بعضی از سازمان های حقوق بشر واز آن شمار به اساس گزارش های سازمان حقوق بشر وحفظ محیط زیست افغانستان هم اکنون اضافه از ۶۵۰۰ تن پناهنده افغان در زندان های ایالات مختلف پاکستان به سر می برند. در گزارش ها گفته شده است که شمار زیادی این پناهندگان زندانیانی اند که به

زندانیانی اند که به وسیله پلیس پاکستان از خیابان ها و یا هم در محل زیست شان ظاهراً به اتهام نداشتن اسناد قانونی اقامت باز داشت شده اند.

هرچند تاکنون چندین بار نه تنها مقامات حکومت انتقالی اسلامی افغانستان، بلکه شماری از سازمان های حقوق بشر از



در جهت رهایی پناهندگان زندانی افغانستان اقداماتی را روی دست گیرد، ولی باوجود وعده هایی مکرر هنوز حکومت پاکستان هیچ گونه اقدام مشخصی در جهت رهایی پناهندگان زندانی افغانستان روی دست نگرفته است.

روی دست نگرفته است.

سیدمخدوم رهین وزیر اطلاعات وفرهنگ افغانتسان شاید آخرین مقام حکومت افغانستان است که مسأله زندانیان افغانستان در زندان های پاکستان را با مقامات پاکستانی در سفر اخیرش در میان گذاشته است.

ترکیي او ازبکستان دوستم ته پام اړولي دئ

دجیمز انتلیجنس دورخپاڼې په سرمقاله کې راغلي چي دکابل په اعلامیه کې دافغانستان گاونډیو هیوادونو ژمنه کړې چې ددغه هیواد په چارو کې به لاس نه وهي: خو په حقیقت کې لیدل کیږي چې ځینې هیوادونه لکه ازبکستان او ترکیي خپل پام افغانستان ته اړولي دي او له جنرال دوستم سره دشل زره کسیز پوځ په تجهیز او روزنه کې مرستې کوي.

دیادونې وړ ده چې څه موده مخکې جنرال دوستم دوسلو دپیرودلو په مقصد مسکوته سفرونه کړي دي.

دغه رپوټ دجنرال دوستم دمنابعو له خوا تایید شوي نه دي

دیو بل خبر له مخې په دې ورستیو کې جنرال دوستم گڼ شمیر سرتیري له سمنگان او سرپل څخه فارياب ته په جگړه کې دگډون په مقصد لیږلي دي. دغه نښته دقوماندان هاشم او سادات ترمنځ د بې وسلو کولو دکار دځنډوالي په سرپيښه شویده، په سیمه کې حالات ترینگلي دي.

سه هزار بمب موشکی در آغاز حمله بر عراق فرو خواهد ریخت

حدود سه هزار بمب موشکی در آغاز حملات آمریکا بر عراق فرو خواهد ریخت

این مطلب را گزارشگر بی بی سی از مقر وزارت دفاع امریکا اطلاع داد.

حملات بر ضد عراق تقریباً قطعی به نظر می رسد. تازه ترین اطلاعات خبری می رساند که جنگ در خاور میانه به زودی آغاز خواهد شد.

حملات همزمان از زمین وهوا صورت خواهد گرفت.

آمریکایی ها در عالی ترین سطح رسمی، آشکارا بیان می کنند که حمله بر عراق بدون توجه به رأی وفیصله، شورای امنیت صورت خواهد گرفت.

این در حالیست که فرانسه و آلمان و روسیه و چین هنوز به راه حل سیاسی وخلع سلاح عراق بدون توسل به جنگ تاکید دارند.

وزیر خارجه روسیه دیروز با لحن جدی تاکید نمود و گفت: در صورتی که آمریکا بدون توجه به فیصله، شورای امنیت به اقدام نظامی علیه عراق دست بزند، این به معنی پایان مشروعیت بین المللی خواهد بود. در عین حال منابع مطلع پنتاگون گفته اند: متناسب به پیشرفت تکنولوژی نظامی، موشک های پرتاب شونده بر عراق که طی دو روز اول آغاز جنگ بر اهدافی در خاک عراق توجیه خواهند شد، دارای حد اعظم قابلیت دقت در اصابت به هدف خواهند بود.

انقلاب بازگشت به ...

انقلاب اسلامی ایران در ۲۳ سال پیش در یک چنین روزی به اوج غلیان خود رسید و توده های میلیونی خشمگین ملت مسلمان ایران به رهبری امام خمینی طومار حاکمیت استبداد چند هزار ساله شاهی را در این کشور در هم پیچید و تحولاتی ژرف وشگرف را در ایران و منطقه وجهان به دنبال آورد.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران را درسال ۱۳۵۷ نمی توان از اندیشه بیدار گری در سراسر جهان اسلامی و از افکار نهضت مشروطیت جدا دانست ولی اندیشه ورداني مانند آیت الله طالقانی و مهندس مهدی بازرگان وآیت الله مطهری و دکتر علی شریعتی و ... در سالهای پسین در بار و رسازی آن نقشی به سزا بازی کردند.

کشور ایران که به دلیل ارتباط تنکاتنگش با جهان غرب در پهلوهای فراوان زندگی لااقل در شهر ها بیشتر به یک کشور اروپایی می ماند تا یک کشور شرقی در پویایی در جهت خویشتن فرهنگی و ارزشی خود سخت دچار تحول گردید.

رهبران انقلاب ایران با بسیاری از چالش های سیاست و اندیشه برخورد خردمندانه کردند و با تکیه بر ارزشهای مکتبی خواسته ها و نیازمندی های زندگی امروزین را در نماد های گونه گون آن از نظر دور نداشتند.

انقلاب اسلامی ایران و در پی آن نظام جمهوری اسلامی بر کار برد نظریه جدایی دین از سیاست و کار ساز نبودن حکومت دینی خط بطلان کشید و وارداتی وبی زمینه بودن این اندیشه را در جهان اسلامی آشکار کرد.



اگر انقلاب اسلامی ایران بیش از حد لازم به جای دین نگری به مذهب گرایی توجه نمی کرد به زود ترین فرصت می توانست در دل همهٔ مسلمانان جهان جای باز کند و به یک پدیدهٔ فراگیر مبدل شود. هر چند تأثیر انقلاب اسلامی ایران را بر جنبشهای اسلامی ورهایی بخش نمی توان انکار و رزید ولی تاکید و تکیه بر مذهب شیعی چیزی است که انقلاب اسلامی ایران را نه تنها در جهان اسلامی که در خود ایران نیز در چشم شماری کم بها ساخت.

برخی از صاحب نظران موضع نه چندان صمیمانه رهبران ایران را در بارهٔ دولت اسلامی افغانستان (دولت مجاهدین) از همین زاویه می بینند، کاری که درنهایت به سود ایران ودر راستای استراتیژی آن هم پایان نیافت . به باور ما این نگرش مذهبی گذشته از آن که راه انقلاب اسلامی را در پهنهٔ جهان اسلامی سد کرد عامل چالشها ورویا رویی هایی در درون نظام ودر سطح رهبران و نظریه پردازان آن نیز شده است. اگر از شدت این گرایش کاسته شود شاید بسیاری از درگیری ها وتنشهای سیاسی- اندیشگی فروکش کند و بسیاری از مسائل بحث برانگیز در پهنه گستردهٔ دینی اندیشی پاسخ موافق دریابد.